

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Iran's M.

آئینه ایران

بهر روز سورن

۱۹ جولای ۲۰۱۷

## جنایتکاری بی مرز به نام "علی فلاحیان"



کوتاه پس از این واقعه گروههای چند نفره مسلح به افراد مسلح نزدیک می شوند و آنها را خلع سلاح می کنند و تسلیحات را به کمیته (مساجد) انتقال می دهند. همان کمیته هائی که فلاحیان از بانیان آن ها ست. در حقیقت طرح خلع سلاح عمومی مردم و تشکیل نیروی مسلح سرکوب رژیم اسلامی از همان روز پیروزی انقلاب شروع می شود. فلاحیان جنایتکارمسئولیت های خود را در نقش حاکم شرع شهر آبادان آغاز می کند و تا به امروز در مناصب مختلف حکومتی ادامه می دهد. از جمله افتخارات وی سازماندهی مزدوران و لباس شخصی ها تحت عنوان کانون اسلامی بیکاران در شهر آبادان برای مقابله با نفوذ چپ در میان کارگران است.

\*\*\*\*\*

روز هجوم نظامی گارد شاهنشاهی به خیابانهای اصلی شرق تهران در سال ۱۳۵۷ را به یاد دارم. ارتش آهنین! و ابدی شاهنشاهی رمقی برایش نمانده بود و بسیاری از پرسنل آن به دلایل متفاوت از فرمان مافوق خود سرپیچی می کردند. از منابع بسیاری از جمله همافران تسلیحات زیادی به دست مردم افتاده بود.

همه چشمهای اطرافیان سلطنت هم اکنون به گارد سرسپرده شاه دوخته شده بود. ارابه نظامی این گارد نیز با نفربرها و تانک ها و هلی کوپتر های در پرواز، به سوی خیابان تهران نو و از آنجا به سمت میدان فوزیه سابق به حرکت در آمده بود. کمیته های انقلاب بسرعت شکل می گرفتند و مساجد محل مکان استقرار آنها شده بود.

محمد همافر پس از مقاومتی سنگین از درون فرودگاه مهرآباد خود را به محله ما رساند و با چهره ای خسته و وحشت زده اسلحه ژت همراه خود را به من می دهد و می گوید: می خواهم بروم کمی بخوابم. امانتی او را روی شانه می اندازم و به همراه یکی از دوستان که فعالانه از ابتدای اعتراضات جنبش را همراهی کرده، به بام بلندترین ساختمان محله می روم و بر بام آن حرکات هلی کوپترهای نظامی را تحت نظر می گیرم. با شنیدن همهمه ها و شعار ها و فریاد

ها حول و حوش خیابان تهران نو به مردم حاضر در صحنه می پیوندم. بوی آتش و دود و خون و بنزین به مشام می رسد. زخمی ها توسط جوانان به خارج از صحن خیابان حمل می شوند. بر تعداد حاضران در خیابان و اطرافش هر لحظه اضافه می شود.

پارکینگ ها و بام های ساختمان های مجاور خیابان اعم از مسکونی، بانکی، تجاری و ... مکانهای ساخت بطری های مولوتوف شده اند و دختران جوان و مادران سالخورده تدارک و تهیه آن را به عهده گرفته اند. در صف اول مقاومت و پرتاب مولوتوف ها به تانک ها و بر بام ساختمان های مشرف به خیابان جوانان هستند و تعدادی از معتادان محله که تلخی روزگار را مزه کرده اند، در میان آنان دیده می شوند. از تقاطع خیابان وحیدیه تا میدان فوزیه تانک های سوخته توسط مولوتوف ها با فاصله از یکدیگر دیده می شوند.

سرنشینان آنها یکی پس از دیگری با مشاهده آتش بر روی تانک از آن خارج می شوند و توسط حاضران مسلح در خیابان به کمیته های نوپا که در مساجد در حال شکل گیری بودند منتقل می شوند. کوکتل مولوتوف ها کارائی دارند و هجوم تانک های گارد شاهنشاهی را درهم می شکنند و این پایانی است قطعی بر پرونده حاکمان وقت که خود را ابدی و ازلی می پندارند.

کوتاه پس از این واقعه گروههای چند نفره مسلح به افراد مسلح نزدیک می شوند و آنها را خلع سلاح می کنند و تسلیحات را به کمیته (مساجد) انتقال می دهند. همان کمیته هایی که فلاحیان از بانیان آن ها در شهر آبادان است. در حقیقت طرح خلع سلاح عمومی مردم و تشکیل نیروی مسلح سرکوب رژیم اسلامی از همان روز پیروزی انقلاب شروع می شود. فلاحیان جنایتکار مسؤولیت های خود را در نقش حاکم شرع شهر آبادان آغاز می کند و تا به امروز در مناصب مختلف حکومتی ادامه می دهد. از جمله افتخارات وی سازماندهی مزدوران و لباس شخصی ها تحت عنوان کانون اسلامی بیکاران در شهر آبادان برای مقابله با نفوذ چپ در میان کارگران و مشارکت در طرح ضد بشری مالک و مستأجر برای دستگیری دگر اندیشان است.

### آب در لانه مورچگان

پس از انتشار نوار صوتی منتظری می شد انتظار داشت که واکنش های بسیاری در زمینه کشتار زندانیان سیاسی در دهه شصت و به ویژه قتلعام آنان در تابستان ۶۷ از سوی آمران و حکومتیان جمهوری اسلامی صورت گیرد. یکی پس از دیگری ظاهر شدند و سکوت خود را قسماً در این زمینه شکستند. جالب این که برخی از آنان هیأت مرگ در زندان ها را هیأت عفو خواندند و گویا وظیفه رهائی از اعدام تعدادی از زندانیان سیاسی را بر دوش خود گرفته بودند!

این افراد به نوعی همه مسؤولیت این کشتارها را بر عهده امام راحل شان انداختند که از میان آنها رفته است و جز نامی ننگین از خود برجای نگذاشته است. بدین معنا که بر طبق فرمان خمینی جلاد قرار بوده همه زندانیان سیاسی اعدام شوند و این گروه مرگ آفرین تلاش داشتند عده ای از آنها را از مجازات مرگ برهانند.

از جمله این دیو صفتان علی فلاحیان است مصاحبه با حسین دهباشی ضمن آن که دخالت خود را در این جنایات انکار می کند، تعلق نظری و تشکیلاتی به سازمان مجاهدین را برای اعدام زندانی سیاسی مکفی می داند و اقرار می کند که این امر سوای کیفرخواست متهم بوده است. او همچنین اعتراف می کند که در صحن خیابان ها نیز این مجازات اعمال می شده است.

اگر چه این نکات برای همگان روشن بوده است اما اهمیت موضوع اینجاست که این اعترافات از زبان آمران قتل های بیشمار دگر اندیشان در این دهه خونین انجام می پذیرد. همان نکته که در نوار صوتی دیدار هیأت مرگ زندان ها با

منتظری مورد توجه عمومی قرار گرفت. آنچه در این مصاحبه مطرح نشده است این است که اگر چه حکم اعدام برای وابستگان سازمان مجاهدین بر اساس حکم شرع بر مصداق محارب و باغی اجراء شده است اما چرا زندانیان سیاسی چپ و غیر مجاهد را قتلعام کردند؟

در ویدیوی منتشر شده و در تعدادی از صحنه ها فلاحیان و به ویژه در کشاکش طرح سؤالات از سوی دهباشی با انگشت چشم و ابروی خود را می مالد و از پاسخ طفره می رود. خنده های مضمنز کننده او در حین صحبت درباره کشتار زندانیان سیاسی بی دفاع در زندان ها هر انسان با وجدانی را منقلب می کند. او به طور تلویحی از فعالیت های اقتصادی و مال آور سازمان اطلاعات در دوره ریاست خود می گوید و همچنین فعالیت های این سازمان در خارج از کشور (بخوانید ترور مخالفان رژیم) را تأیید اما نقش این وزارت و خودش را انکار می کند. اعتراف ضمنی به استفاده از عناصر ساواک برای پیشبرد امور سازمان اطلاعات نیز از نکات اقراری دیگر این مصاحبه بود.

مصاحبه را اینجا ببینید

آشنایی با جنایات علی فلاحیان (از فیسبوک)

علی فلاحیان، متولد: ۱۳۲۸ شهرستان نجف آباد، تحصیلات: دانش آموخته مدرسه علمیه حقانی در حد خارج فقه و اصول

سوابق: حاکم شرع دادگاه های انقلاب اسلامی آبادان، باختران و خراسان، قائم مقام وزارت اطلاعات در دو دوره وزارت ری شهری، رئیس دفتر بازرسی فرماندهی کل قواء، دادستان ویژه روحانیت، وزیر اطلاعات در دو دوره دولت هاشمی رفسنجانی و عضو فعلی مجلس خبرگان رهبری از حوزه انتخابیه اصفهان.

علی فلاحیان، بدون استثناء در تمامی جنایات و توطئه های جمهوری اسلامی شریک است! فلاحیان پیش از آن که پایش به وزارت اطلاعات برسد بیشتر در کنار دیگر فارغ التحصیلان مدرسه حقانی در مناصب قضائی دستی بر کانون آتش و توطئه داشته است و مدتی هم در کمیته های انقلاب اسلامی دارای سمت فرماندهی بوده است اما عمده فعالیت های وی از زمانی است که به سمت قائم مقامی وزارت اطلاعات می رسد، ری شهری این چنین ورود وی را به وزارت اطلاعات توضیح می دهد:

«خوب در کوران حوادث پیچیده ای بودیم و وزارت اطلاعات هم نهادی انقلابی و تازه تأسیس بود و خیلی ها هم مودیانه در مسیر این راه سنگ اندازی می کردند، ترورها، توطئه های داخلی و خارجی و جنایات زیادی هم بود، طبیعی بود که به وجود کسی احتیاج داشتیم که هم اقتدار لازم را داشته باشد و هم جسارت و هم توان کار اطلاعاتی که به نظر من بهترین فرد در آن زمان آقای فلاحیان بود که ایشان را برای پست قائم مقامی وزارت که در اصل ستون سازمان وزارت اطلاعات بود برگزیدیم...» (۱)

این چنین بود که فلاحیان فردی که هم اقتدار (شما بخوانید خودسری) دارد و هم جسارت (شما بخوانید قساوت) و هم توان کار اطلاعاتی! وارد وزارت اطلاعات می شود، وی در خلال سال های ۱۳۶۳ الی ۱۳۶۸ که قائم مقام و یا به قول آقای ری شهری ستون وزارت اطلاعات بوده است بی شک اقدامات عدیده ای را انجام داده است که به خاطر بضاعت خاطر فقط به شمه ای از آن ها اشاره می شود و آن ها را با هم بازخوانی می کنیم:

- راه اندازی بازداشتگاه مخوف امنیتی توحید برای بازداشت و شکنجه مخالفان جمهوری اسلامی و دگر باشان و دگر اندیشان.

- قتل های زنجیره ئی که با طرح حذف مخالفان آرام و فعال جمهوری اسلامی در داخل و خارج از کشور آغاز شد نام کسانی همچون اوپسی و بختیار و رضا مظلومان در ابتدای این لیست بوده است...

- رقم زدن قتل عام و نسل کشی سال‌های ۱۳۶۷ و ۱۳۶۸ در زندان‌های سیاسی کشور.
- تلاش شبانه روزی برای حذف آیت الله منتظری از صحنه سیاسی کشور.
- تلاش و اهتمام برای برپائی دادگاه ویژه روحانیت.
- طرح و نظارت بر ترور دکتر مصطفی چمران (۲)
- اعزام سعید امامی و کاظم لاهوتی به کشور فرانسه برای مذاکره با سران سازمان مجاهدین خلق در سال ۱۳۶۹.
- ده‌ها مورد آدم ربائی و بازداشت و قتل سیاسی و...

۱۷.۰۷.۲۰۱۷